

احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان و عوامل مؤثر بر آن (با تکیه بر نگرش به عملکرد پلیس)

سیده معصومه حسینی اخگر^۱، اسماعیل بلالی^۲، مریم مختاری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۱۵

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تعیین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان انجام شده است. بی تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که در این مقاله به بررسی برخی از این عوامل در شهر همدان پرداخته شده است. روش تحقیق، پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری گردید. جامعه آماری تحقیق، کلیه افراد بالای ۱۸ سال شهر همدان بوده که ۳۷۰ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری میان افراد جوان و افراد مسن، میان افراد مجرد و متأهل، میان لرها و سایر اقوام و ... از نظر احساس امنیت اجتماعی وجود داشت. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، نگرش نسبت به عملکرد پلیس و متغیر وابسته میزان احساس امنیت اجتماعی دیده شد. در بین متغیرهای تحقیق، اعتماد اجتماعی با ۳۲ درصد بیشترین سهم را در تبیین احساس امنیت اجتماعی داشت. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل ۴۱/۷ درصد از واریانس احساس امنیت اجتماعی تبیین گردید. واژگان کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، رسانه‌های جمعی، نگرش به عملکرد پلیس، نظریه ساختاریابی، همدان.

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه یاسوج (نویسنده و مسئول)

۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا email:balali-e@yahoo.com

۳ - عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج

مقدمه

امنیت پیش‌زمینه یک اجتماع سالم و احساس امنیت بسترساز توسعه جوامع انسانی است و سعادت یک اجتماع در گرو حفظ و بقاء امنیت و احساس ناشی از آن است. حضور مردم در فضای عمومی شهر مستلزم احساس امنیت از سوی آنان است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است.

زندگی جمعی انسان از نیاز به امنیت^۱ سرچشمه می‌گیرد. امنیت از مفاهیم بااهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. پیش‌شرط رشد جوامع و خودشکوفایی آنها متکی بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی بوده و این دو نیازمند امنیت، احساس امنیت و ایمنی است. بوزان^۲(۱۳۷۸) معتقد است که تعاریف لغوی امنیت عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

امنیت به طور اصولی با رهایی از تهدید مرتبط است. بنابراین هر آنچه که یک تهدید را تشکیل می‌دهد در حقیقت یک موضوع امنیت است و دارای دو جنبه است: ذهنی که مبتنی بر درک ارجاعی اهداف است و نسبی، زیرا هیچ فرد یا دستگاهی در امنیت کامل به سر نمی‌برد (O'neil, 2006: 322). تأثیرگذارترین ایده از گسترش مفهومی مطالعات امنیتی در دهه ۹۰ که از سوی مکتب کپنهاگ ظهور کرد، مفهوم امنیت اجتماعی بود. امنیت اجتماعی بعد جدیدی از ابعاد امنیت است که در حال شکل‌گیری است و به معنای پلی بر فاصله بین امنیت ملی و ایمنی انسانی است. امنیت اجتماعی اصطلاح جمعی برای تلاش‌ها برای کنار آمدن با تهدیدات مدرن در جامعه است (Hough, 2004)

امنیت اجتماعی در حد واسط امنیت فردی و امنیت ملی قرار می‌گیرد. در پیامد انقلاب در ارتباطات، پیدایش نهادهای قدرتمند غیر دولتی، باز شدن پنجره‌های تبادل فرهنگی و اعتقادی و بالا رفتن سطح آگاهی‌های عامه، طرح و مورد توجه قرار گرفت. در واقع امنیت

-
1. Security
 2. Barry Buzan

اجتماعی چشم انداز نوینی در مورد امنیت بود که در آن مؤلفه‌های اجتماعی در تکوین و استقرار امنیت نقش برجسته ای دارند (نویدنیا، ۱۳۸۳: ۳).

از طرفی گسترش و پیشرفت امروزی ارتباطات، تولیدات، بازارها، دارایی‌ها و آگاهی‌ها در عرصه جهانی به گسترش دستور کارهای امنیتی در حوزه‌ای فراتر از موضوعات صرف نظامی کمک کرده است. به عبارت دیگر ظهور فراقلمروگرایی می‌تواند با توانمندی‌های نظامی ویرانگرتر، تخریب فزاینده محیط زیست، فقر پایدار، بی‌ثباتی مالی بیشتر، استخدام و وضعیت شغلی متزلزل‌تر، انحطاط فرهنگی، عدم انسجام اجتماعی بیشتر و نگرانی افزون‌تر نسبت به وضعیت دانش همراه گردد (سردارآبادی، ۱۳۸۲: ۸۹۷-۸۹۶).

شاید تا چند دهه اخیر متفکران اجتماعی بین امنیت و احساس آن چندان تفاوتی قائل نبودند، ولی به واسطه تغییر و تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید، مشخص شد که بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیرقابل‌انکاری پیدا کرده است، زیرا این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تقلیل نیست (بیات، ۱۳۸۸: ۳۲). تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می‌دهد، ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه) (امیرکافی، ۱۳۸۲: ۳). تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی یا کاذب و غیرواقعی قرار می‌دهد. گاهی اوقات ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه و شاخص‌های لازم، امنیت بالایی را در جامعه نشان می‌دهد، اما برداشت افراد از فضای اجتماعی یا اطلاعات آنان در مورد دیگران آنان را در مخمسه روانی احساس ناامنی قرار می‌دهد. (محمدی و تاجران، ۱۳۸۷).

بیان مسأله، ضرورت تحقیق و اهداف تحقیق

فقدان یا اختلال در امنیت، پیامد و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی برای افراد و دولت-ها به دنبال دارد. در همین رابطه دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سالانه بودجه‌های هنگفتی را هزینه می‌کنند. از اینرو تأمین امنیت ملی یکی از عمده‌ترین نگرانی‌ها و یکی از پایه‌های اساسی سیاست‌های دولت‌ها محسوب می‌شود.

تحقیقات و نظرسنجی‌هایی که همه ساله از سوی دولت در سطح کشوری به اجرا درمی‌آید، نمونه‌ای از آن است. نتیجه نظرخواهی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین آن است که ۸۱ درصد از ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۵۴؛ نبوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۰). ناامنی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اکثر مردم نوعی روحیه دوگانه ایجاد کرده است. (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۳۴).

بی‌تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن شده است. بدین ترتیب باید راهکارهایی جست که بر اساس آن بتوان امنیت اعضای جامعه را حفظ کرد. چرا که اولین گام برای دستیابی به عرصه‌ی عمومی که ضامن تحقق جامعه مدنی است تشویق مردم به حضور در فضای عمومی و یا فراهم نمودن دسترسی برابر همه افراد و گروه‌ها به آن است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده‌ی حضور مردم، ترس از بزه دیده واقع شدن و یا مورد تعرض رفتارهای غیرمدنی و خشونت واقع شدن است (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۲).

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که با دیگر افراد جامعه سازمان‌ها و دولت در ارتباط است. بیشتر افراد جامعه به طور مستمر و در طول زندگی روزمره با این قلمروها رو به‌رو می‌شوند و زندگی آنها مستلزم ارتباط در این قلمروهاست به طور خلاصه می‌توان گفت که امنیت افزون بر اینکه ضرورتی انسانی است. عنصری مهم در پیشرفت و توسعه جامعه به شمار می‌رود. بسترهای مختلف توسعه اقتصادی، فرهنگی و ... مستلزم وجود امنیت اجتماعی، داخلی و ملی است. (زرینی و پوریوسفی، ۱۳۸۷: ۵۷). امنیت به روند توسعه و رشد همه اقشار مردم کمک می‌کند و سرانجام به توسعه همه جانبه جامعه

می‌انجامد. آسودگی خاطری که در سایه امنیت بروز می‌یابد موجب رشد است زیرا که فرد به جای اندیشه مبارزه و یا دغدغه حفظ جان و مال و آبروی خویشتن توان خود را در مسیر تخصص، خلاقیت و خدمت به کار می‌گیرد و با اطمینان زندگی می‌کند و به آینده‌ای بهتر می‌اندیشد و مسیر تعالی و پیشرفت را بدون هراس از دام‌های پیدا و ناپیدا شتابان طی می‌کند (گرامی‌زادگان، ۱۳۷۷: ۴). از نظر ویور یکی از نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ در شرایط اجتماعی و سیاسی کنونی جهان، امنیت اجتماعی مرجع امنیت ملی به حساب می‌آید. ویور، در رویکرد خود نقش مستقلی برای امنیت اجتماعی در کنار مقوله امنیت ملی قایل شده و جامعه را به‌عنوان مرجع امنیت معرفی می‌کند. وی معتقد است امنیت اجتماعی نباید در کنار مقولاتی نظیر؛ امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی که نسبت به امنیت ملی فرع محسوب می‌شوند، قرارگیرد و جایگاه و اهمیت آن در حد امنیت ملی است (نصری، ۱۳۸۲).

نامانی مکان‌ها و فضاهای عمومی نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. امروزه با توجه به گستردگی شهرنشینی و رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است و این موضوع در شهر همدان از حساسیت بیشتری برخوردار است.

برخی از جامعه‌شناسان بر این باورند که میزان ناامنی با درجه گسترش شهر رابطه مستقیم دارد؛ یعنی به موازات افزایش جمعیت، میزان جرایم نیز بالا می‌رود و افزایش جرایم در شهر امنیت فردی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. به عقیده این جامعه‌شناسان شهرها به دلیل گستردگی، فزونی جمعیت، حاشیه‌نشینی، فراوانی جمعیت بیکار، انبوهی مهاجران، بیگانگی اجتماعی و برخی دلایل دیگر که در روستا و یا شهرهای کوچک وجود ندارد، شرایط مناسبی را برای کسانی که قصد ناامن کردن جامعه را دارند، به وجود می‌آورند (برآبادی،

: ۶۴-۶۳). بنابراین، افراد در ابعاد گوناگون امنیت آسیب پذیر می گردند. زنان در مقایسه با مردان و کودکان در مقایسه با بزرگسالان بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. امنیت افراد کم-درآمد، کم سواد و بی سواد، بی کاران، حاشیه نشینان و اقلیت های قومی و دینی نیز بیشتر از دیگران به خطر می افتد (همان: ۶۳).

امنیت قضایی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یا به عبارت دیگر حاکمیت نظم و قانون موجب امید به آینده و در نتیجه موجب رشد، فعالیت، تلاش و خلاقیت انسان می گردد. این ویژگی از شرایط و لوازم ضروری هر گونه رشد و توسعه اقتصادی است (رضاقلی، ۱۳۸۷: ۱۷).

همدان یکی از کهن ترین شهرهای ایران و حتی جهان محسوب می شود و به نظر می رسد، اما در رتبه بندی استان های کشور از نظر توسعه یافتگی، مقایسه سال های ۸۳-۷۹ استان همدان در رده ۲۱ قرار دارد. در رده بندی برخوردار از سلامت استان همدان در رتبه ۱۰ قرار گرفته است. از حیث شاخص های زیربنایی و اجتماعی استان همدان در رتبه ۱۷ قرار دارد، اما از حیث شاخص های توسعه همدان در رتبه ۱۲ قرار گرفته است (حسینی و اسکندری، ۱۳۷۹: ۱۱۸). همچنین رتبه سرمایه اجتماعی در همدان ۱۶ و سطح توسعه نیز ۱۶ است (عبدالهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). از نظر رتبه توسعه اقتصادی - اجتماعی همدان جزء استان های نسبتاً توسعه یافته (فطرس و بهشتی فر، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

آمارهای مذکور نشان می دهد که همدان به لحاظ رتبه بندی در شاخص های گوناگون اجتماعی، اقتصادی علی رغم ظرفیت های موجود نتوانسته رتبه های مطلوبی را کسب کند. موج اول پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۳۸۱) نشان می دهد که احساس امنیت و آزادی در همدان ۲۷.۵٪ است. پژوهش حاضر با نگاهی جامعه شناختی سعی در جستجوی علل و مکانیزم هایی دارد که میزان احساس امنیت اجتماعی را در شهر همدان تبیین کرده و به شرح و تفسیر نتایج آن بپردازد.

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق معمولاً به منظور نقد مطالعات موجود درباره پژوهش است و اگر به درستی صورت گیرد، به بیان مسأله کمک می کند و یافته‌های تحقیق را به پژوهش‌های قبلی متصل می سازد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵). کامران و شعاع برآبادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی، مطالعه موردی شهر تایباد" نشان داده‌اند که عواملی نظیر سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه‌ها، نقش نیروی انتظامی، پایگاه اجتماعی افراد و فضای فیزیکی شهر رابطه معناداری با احساس امنیت داشته‌اند.

باباخانی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در سطوح خرد و کلان" که بین شهروندان ساکن در ۲۴ محله تهران انجام شد، نشان داده است که دو عامل احساس انومی و سرمایه اجتماعی تأثیرگذارترین عوامل بر احساس امنیت مالی در سطح خرد و در سطح کلان توسعه اقتصادی و عام‌گرایی هستند.

نبوی و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی" نشان دادند که از مجموعه عوامل مورد بررسی مؤثر بر احساس امنیت دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی اثر کاهنده‌ای دارند و متغیرهای هویت قومی و جنسیت نیز به ترتیب احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

ربانی خوراسگانی و قاسمی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "رابطه احساس امنیت اجتماعی و نگرش مذهبی" نشان دادند که احساس امنیت به ترتیب در ابعاد روانی، اقتصادی، سیاسی و قضایی کم‌تر است و بعد نگرش به روحانیت از ابعاد نگرش مذهبی تأثیر بیشتری بر احساس امنیت داشته است و تئوری گیدنز را مبتنی بر نقش حمایتی باورداشت‌ها و کارگزاران دینی در برابر رویدادها و موقعیت‌های مختلف و ایجاد و تقویت احساس امنیت مورد تأیید قرار گرفته است.

امیرکافی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان "بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی شهر تهران" نشان داده است که احساس امنیت با متغیرهای همچون بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرایم و بزهکاری، ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن) و حمایت اجتماعی (امداد و یاری) همبستگی معنی‌داری دارد.

زنجانی‌زاده (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان "عوامل مؤثر بر امنیت زنان" به این نتیجه رسیده است طبقه اجتماعی، اشتغال و رتبه شغلی زنان بر احساس امنیت آنان مؤثر بوده است.

رد بورگ و لئون در تحقیقی که در شهر نانت انجام داده‌اند به بررسی امنیت از بعد سیاسی پرداخته‌اند و چنین بیان کرده‌اند که پاسخگویان از عدم برخورد عادلانه قانون اظهار نارضایتی کرده‌اند (گی‌روشه، ۱۳۸۲: ۵۲ و ۹۹).

به نقل از سیبل و جین ۱ در تحقیقی که توسط بن‌داسمیت و راموردانگ (۲۰۰۲) صورت گرفته ۸۷ درصد روستاییان و ۸۹ درصد ساکنین شهر بیان می‌دارند که مهم‌ترین اولویت مکان زندگی‌شان «امنیت در برابر جنایت» است.

به نقل از حق‌طلب (۱۳۷۲) باتری کاس با انجام پژوهش‌هایی نشان داده است که احساس ناامنی با افسردگی اختلال روانی اسکیزوفرنیا، تمایل گفتن احساسات بد در مورد خود، تمایل به غیر عادی بودن و روان‌رنجوری رابطه دارد، همچنین احساس ناامنی در مردها بیشتر از زنان مشاهده شده است.

اولسن (۲۰۰۷) در دانشگاه نروژ در مقاله‌ای تحت عنوان "ایمنی اجتماعی، مفاهیم مرزها و معضلات آن"، امنیت اجتماعی را در رابطه با ایمنی‌های مرتبط با زمینه‌هایی از قبیل امنیت ملی، سازگاری با توسعه محیط زیست، امنیت انسانی و مدیریت حادثه (تصادفات، بیماری‌های معمول و اعمال جنایی) مرتبط دانسته است.

روی (۲۰۰۸) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان "امنیت، مهاجرت و اقتصاد بعد از ۱۱ سپتامبر در آمریکا" به بررسی این مسأله پرداخته است. که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر روش‌های

نگرش آمریکا به امنیت تغییر کرد و علیرغم ادامه یافتن مهاجرت‌ها و اختصاص دادن سهم مهمی از اقتصاد آمریکا به خود، تعادلی بین نیازهای امنیتی و نیازهای اقتصادی برقرار شد. گانت و بنیامین^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "نامنی شغلی، استرس و جنسیت" به بررسی روابط پیچیده بین آن‌ها پرداخته شده است و به بررسی این فرضیه پرداخته شده است که ایدئولوژی جنسیتی کارکنان، اثر جنس بر نامنی و استرس شغلی را تعدیل می‌کند و نشان داده شده است که نامنی شغلی در زنان بیش‌تر از مردان است و در مردان سستی احساس نامنی بیش‌تر از زنان سستی است، اما در زنان و مردان برتری طلب، درجه مشابهی از احساس نامنی شغلی دیده شده است.

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور منابع تجربی باید گفت در آن‌ها احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن شاخص‌ها و معرف‌های متفاوتی مورد سنجش قرار گرفته، به طوری که مقایسه‌ی نتایج حاصل از آنها به دلیل نبود ابزار واحد، مشکل است. می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات انجام شده در زمینه موضوع مورد بررسی، بیش‌تر میدانی هستند و با روش‌های کمی مثل پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری شده‌اند. معیار و شاخص مشترکی برای سنجش ابعاد احساس امنیت وجود ندارد و هر محقق با تأکید بر یک یا چند جنبه به بررسی موضوع پرداخته است و این مسأله مقایسه‌ی نتایج را با یکدیگر مشکل ساخته است. بر این اساس در تحقیق حاضر سعی می‌شود، با مطالعات صورت گرفته، ابعاد احساس امنیت به گونه‌ای سنجیده شود که با بافت اجتماعی سازگاری بیش‌تری داشته باشد. ضمن اینکه محقق از مجموعه مطالعات صورت گرفته نیز، ایده می‌گیرد.

چارچوب نظری

-
- 1 . Roy
 - 2 . Gaunt& Benjamin

متفکران و اندیشمندان مختلف در طول تاریخ فلسفه، فلسفه سیاسی و سپس جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی در جوامع انسانی بر اساس رهیافت‌ها و رویکردهای مختلفی به بررسی مقوله امنیت، خاستگاه و طرق دستیابی و حفظ آن پرداخته‌اند. همچنین امنیت از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان است که در بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت از جمله فروم (۱۹۴۱)، آلپرت (۱۹۶۱)، هورنای (۱۹۳۷)، مازلو (۱۹۴۲)، لینگ (۱۹۸۴)، مورز (۱۹۸۰)، لوه (۱۹۷۸)، لوچیانی (۱۹۸۹)، و لفرز (۱۹۶۲)، بوزان (۱۹۹۱) و ماندل (۱۹۹۴) و ... به عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان اشاره شده است (دلاور و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۰-۴۹).

به طور کلی تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، دو نحوه برداشت بر همه تفکرات مربوط به مسأله امنیت ملی حاکم بوده است: رویکردهای رئالیستی و ایدئالیستی. در اثر نقد این رویکردهای کلاسیک، رویکردها و نظریه‌های مدرن در حوزه امنیت پژوهی ظهور کردند. اندیشه انتقادی در حوزه مطالعات امنیت از حدود سال ۱۹۸۰ و دوره پایان جنگ سرد مطرح شد. پس از پایان جنگ سرد، باری بوزان به همراه ال ویور و ... در مکتب کپنهاک در پی گسترش مفاهیم امنیت، تحلیل‌های ظریفی ارائه داده و اندیشه امنیت اجتماعی را مطرح کردند. موضوعی که نخستین بار در آنجا مطرح شد، این بود که اولاً امنیت ناامنی فقط به عوامل نظامی بستگی ندارد. بلکه امروزه مسائل اجتماعی فراتر از عوامل نظامی نقش ایفا می‌کنند. ثانیاً متصدی امنیت فقط دولت‌ها نیستند، بلکه نیروهای اجتماعی نقش برجسته‌ای دارند. به علاوه صاحب‌نظران مکتب کپنهاک امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح می‌کنند و اظهار می‌دارند تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به طور ذهنی (احساس امنیت) نیز قابل تجربه‌اند (نبوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۱).

باری بوزان، از جمله صاحب‌نظران مکتب کپنهاک، معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد و به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از

زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند. بوزان مفهوم ارگانیک امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌نماید. (نوبدینیا، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۴)

در این تحقیق از نظریه آنتونی گیدنز^۱ به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. آنتونی گیدنز در تحلیل‌های جامعه‌شناختی خود به این نتیجه می‌رسد که امروزه مدرنیته خطر را در بعضی از حوزه‌ها و شیوه‌های زندگی کاهش داده و در عین حال برخی پارامترهای جدید و خطرآفرین را که بیشتر ناشناخته بود را به همان حوزه‌ها وارد می‌کند. گیدنز صور عمده سیمای مخاطره‌آمیز مدرنیته را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ یکی آن‌هایی توزیع عینی مخاطرات را تغییر می‌دهند که از آن جمله می‌توان به جهانی شدن مخاطره، شمار فزاینده رخدادهای احتمالی و نفوذ دانش انسانی در محیط مادی را نام برد. دیگری آن‌هایی که (مانند آگاهی از مخاطره به عنوان صرف مخاطره، آگاهی خوب توزیع شده درباره مخاطره و نظایر آن) تجربه مخاطره یا ادراک مخاطرات را تغییر می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

در تحلیل گیدنز درباره مخاطره و رهایی از مخاطره و امنیت، امنیت وجودی یکی از صور مهم احساس امنیت تلقی شده است. "این اصطلاح به اطمینانی راجع است که بیش‌تر اشخاص به تداوم هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. از این نظر این امنیت پدیده‌ای عاطفی است" (گیدنز، ۱۳۷۷). گیدنز در بخشی از مباحث خود در مورد امنیت و احساس امنیت با توجه به آرای اریکسون به عوامل روان-شناختی اشاره می‌کند، این احساس امنیت که ریشه در رابطه نوزاد با والدین دارد، بیش‌تر امری عاطفی است تا شناختی و زمینه آن ناخودآگاه است" (تاکر، ۱۹۹۸: ۸۳).

نیروی عمده در ورای بسیاری از کنش‌ها، مجموعه فرایندهای ناخودآگاه جهت دست‌یابی به حس اعتماد در تعامل با دیگران است. گیدنز این مجموعه فرایندها را تحت عنوان نظام امنیت وجودی صورت‌بندی می‌کند، بدین معنا که یکی از نیروهای برانگیزاننده

اما به شدت مغشوش در ورای کنش تمایل به حفظ امنیت وجودی یا حس اعتمادی است که از توانایی در کاهش اضطراب در روابط اجتماعی برمی خیزد. کنشگران نیاز دارند که این حس اعتماد را داشته باشند (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۸۴).

اما در این مقاله با اتکا به نظریه ساختاریابی گیدنز به تحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت پرداخته شده است. به زعم یان کرایب به زحمت می توان نظریه ای اجتماعی یافت که چیزی در کار گیدنز برای مایه گرفتن پیدا نکند. به هر روی در حال حاضر نظریه ساختاری شدن، خوراک اصلی جامعه شناسی را فراهم می سازد (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۰۹). در نظریه ساختاریابی، حیطه اصلی مطالعه علم اجتماعی اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته اند. ساختارها مجموعه ای از الگوهای بادوامی از کنش هستند که همه اوقات با قواعد و منابع راهنمایی می شوند. بر اساس مفهوم دوسویگی ساخت کنشگران در تولید کنش متقابل به قواعد و منابع متوسل می شوند، اما بدین ترتیب همان قواعد و منابع از رهگذر همین کنش متقابل مجدداً پی ریزی و بنا می شود. (همان: ۴۸۰). قواعد و منابع میانجی هستند به این معنا که آن ها روابط اجتماعی را به هم وصل می کنند. آن ها چیزی هستند که کنشگران استفاده می کنند تا در طول زمان و مکان روابط را خلق کنند، تقویت کنند و تغییر دهند.

گیدنز استدلال می کند که افراد از قواعدی پیروی می کنند که در ساختار اجتماعی جای دارد و معرفت جمعی در مورد قواعد اجتماعی، شرط تعامل اجتماعی است. به اعتقاد او افراد هم تابع قاعده اند و هم خالق آن (تاگر، ۱۹۹۸: ۸۱). قواعد فرایندهای تعمیم یافته ای هستند که کنشگران، آن ها را در شرایط مختلف درک می کنند و به کار می برند. گیدنز ادعا می کند که یک قاعده، روش یا تکنیکی است که کنشگران اغلب به طور ضمنی می شناسند که قاعده ای مناسب برای کنش ارائه می دهند. از دیدگاه جامعه شناسانه، مهم ترین قواعد آن هایی هستند که عاملان در بازتولید روابط اجتماعی در طول زمان و مکان به کار می برند (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۸). به عبارتی قواعد متعارف هستند، اما آن ها قراردادی هستند. قواعد ویژگی های خاصی را آشکار می کنند:

۱. آن‌ها مکرراً استفاده می‌شوند در: مکالمات، تشریفات، کنش متقابل، جریان عادی زندگی روزانه‌ی افراد.

۲. آن‌ها بطور ضمنی دریافت و درک می‌شوند و بخشی از آگاهی ذخیره کنشگران هستند.

۳. آن‌ها اطلاعاتی هستند که ناگفته و نانوشته باقی می‌مانند.

۴. آن‌ها از طریق تکنیک‌های بین فردی بطور ضعیفی تأیید می‌شوند (همان).

قواعد می‌توانند روش‌ها و فرمول‌های ترکیبی متنوعی برای هدایت مردم در مورد ارتباط، کنش متقابل و سازگار شدن با دیگران ارائه دهند. قواعد به دو نوع اساسی فرایندهای میانجی تقسیم شده‌اند:

۱. هنجاری، یا ایجاد حقوق و وظایف در یک زمینه (مکان)؛

۲. تفسیری، یا ایجاد طرح‌ها و ذخایر آگاهی در یک زمینه (مکان) (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۹).

برخی قواعد به ابزار مشروعیت تبدیل می‌شوند (مانند قوانین راهنمایی و رانندگی)، زیرا باعث می‌شوند چیزها درست و مناسب به نظر بیایند. قواعد دیگر، برای ایجاد معناداری، یا نظام‌های نمادین معنادار استفاده می‌شوند (مانند آموزه‌های دینی)، زیرا آن‌ها به مردم راه‌های دیدن و تفسیر وقایع را ارائه می‌دهد.

دومین جزء ساختار در تئوری ساختاربندی، منابع است که می‌تواند هم منابع مادی مانند پول یا کالاها را شامل شود و هم منابع اقتداری از قبیل سرمایه فرهنگی، قدرت سیاسی و ... (گیدنز، ۱۹۸۴). منابع قویاً به قواعد اجتماعی مرتبط هستند، یعنی به منظور استفاده از سکه‌ها یا یادداشت‌های بانکی شما نیاز دارید که بدانید آن‌ها به شما تعلق دارند، چگونه این‌ها مورد استفاده هستند و چگونه در یک موقعیت ویژه آماده تبدیل شدن به سایر کالاها می‌شوند؟ منابع به عاملان در جهت ظرفیت قابل انتقال عاملان برای عمل کردن در دنیا قدرت می‌بخشد.

ایده‌آسی این است که منابع ابزار سلطه هستند، چون آن‌ها ما را به تسهیلات مادی و سازمانی برای انجام امور مجهز می‌کند. منابع را می‌توانیم به روش‌های مختلفی تجهیز کنیم

تا فعالیت‌های مختلفی را انجام داده و از طریق وجود اشکال و درجات مختلف قدرت به اهدافمان دست یابیم. منابع به ۲ نوع اساسی تسهیلاتی که میانجی روابط اجتماعی‌اند تقسیم شده‌اند:

۱. اقتداری، یا ظرفیت سازمانی برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه؛
۲. تخصیصی، یا کاربرد ویژگی‌ها، ابزار و کالاهای مادی برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۹).

با استفاده از تئوری ساختاریابی گیدنز امکان برقراری پیوند میان سطوح خرد و کلان به وجود آمده است، لذا می‌توان در تحلیل احساس امنیت به سهم عوامل اجتماعی مؤثر نیز اشاره کرد. همانطور که ذکر شد، گیدنز در نظریه‌ی ساختاریابی معتقد است که کنش انسانها تحت تأثیر دو عامل قواعد و منابع است و قواعد و منابع بر کنش‌های انسانی تأثیرگذارند، لذا کنشگران برای تسهیل در ارتباطات اجتماعی به قواعد و منابع متوسل می‌شوند.

افراد در ورای کنش‌هایشان باید احساس امنیت وجودی داشته باشند. برای اینکه این احساس از سوی جامعه نیز به آنها تزریق شود، به قواعد و منابع متوسل می‌شوند. با اتکا به نظریه‌ی ساختاریابی متغیرهایی نظیر جنسیت، قومیت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تأهل و استفاده از رسانه‌های جمعی، به عنوان منابع (از نوع تخصیصی) و متغیرهای اعتماد اجتماعی (به عنوان قواعد هنجاری) و دینداری و نگرش به عملکرد پلیس (به عنوان قواعد تفسیری) در نظر گرفته شده‌اند.

در ادامه فرضیات مستخرج از چارچوب نظری تحقیق آورده می‌شود:

۱. بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان تفاوت وجود دارد.
۲. بین میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان شاغل و غیرشاغل تفاوت وجود دارد.
۳. بین میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان مجرد و متأهل تفاوت وجود دارد.
۴. بین میزان احساس امنیت اجتماعی اقوام مختلف تفاوت وجود دارد.
۵. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان و احساس امنیت اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۶. بین نگرش شهروندان به عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۷. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی شهروندان و احساس امنیت اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این پژوهش، روش پیمایشی است که مبتنی بر یک نمونه نمایا و یک ابزار سنجش معتبر می‌باشد. جامعه آماری شامل ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر همدان است و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه تعیین شد. در این تحقیق با کمک نرم‌افزار spss ۱۶ با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای ۵ درصد و با این فرض که ۵۰ درصد از جمعیت پاسخ یکسانی بدهند، حجم نمونه برای این شهر ۳۸۴ نفر به دست آمد که برای جلوگیری از داده‌های مفقوده و بی‌پاسخ نمونه به ۳۹۰ نفر ارتقاء داده شد. اما پس از جمع‌آوری داده‌ها بسیاری از داده‌ها ریزش پیدا کردند. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است.

پرسشنامه به عنوان ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار ابزار تحقیق از نوع سازه بوده است. برای سنجش پایایی تحقیق، از تکنیک هم‌انگهی درونی گویه‌ها استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که به صورت سازه تهیه شده بودند محاسبه گردید. میزان آلفا برای متغیر احساس امنیت (۰/۸)، برای متغیر اعتماد (۰/۸۱)، برای متغیر ارزیابی از عملکرد پلیس (۰/۸۷) و برای دینداری (۰/۷۶) شده است. با توجه به اینکه مقدار آلفای هر سه متغیر مذکور بالاتر از ۰/۷ بوده بنابراین می‌توان گفت که هم‌انگهی درونی گویه‌های این متغیرها در حد مطلوبی بوده است. جهت تجزیه و

تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS، استفاده شده است. برای آزمون فرضیات از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی تست استفاده شد و در نهایت با استفاده از رگرسیون چندمتغیره مهمترین متغیرهای مستقل تحقیق حاضر شناخته شد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

احساس امنیت اجتماعی:

نبوی و همکاران به نقل از افشار، احساس امنیت اجتماعی را این‌چنین تعریف کرده اند: "احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود" (نبوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷). بر همین اساس با مراجعه به تحقیقات باباخانی، رشیدی و مرادی احساس امنیت اجتماعی در سه بعد امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی (شغلی) و امنیت جانی در نظر گرفته شد. اما با اجرای آزمون تحلیل عاملی اکتشافی این متغیر نیز در چهار بعد دسته‌بندی شد و امنیت محیط شهری نیز به عنوان بعد جدید به سایر ابعاد اضافه شد. وسایل ارتباط جمعی ۱:

مجموع فنون، ابزار و وسایلی را می‌رساند که از توانایی انتقال پیام‌های ارتباطی، حسی و اندیشه‌ای در یک زمان به شمار بسیاری از افراد مخصوصاً در فواصل زیاد برخوردار است (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۱۹). برای سنجش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی سؤالاتی در مورد میزان استفاده از تلویزیون، ماهواره، رادیو، اینترنت و مطبوعات پرسیده شده است، لذا این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۲:

جایی که هر کس در ساخت اجتماعی و اقتصادی اشغال می‌کند «جایی که یک فرد خاص در نظامی مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند، پایگاه او در برابر این نظام خوانده می‌شود». به گفته ساروخانی: «مقام فرد یا گروه است با توجه به توزیع شأن در یک نظام

1 . Mass Media

2 . Economic- social Status.

اجتماعی و در مواردی تلویحا با در نظر گرفتن چگونگی توزیع حقوق، مسئولیت‌ها، قدرت و اقتدار در چارچوب همان نظام نظیر اصطلاحاتی چون پایگاه بالا، پایین و...» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۲۹).

برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی نیز سؤالات باز در مورد درآمد خانواده، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات والدین پاسخگو و وضعیت اشتغال وی و والدینش پرسیده شد، سپس از طریق گرفتن نمره استاندارد و تبدیل همه متغیرها به یک واحد مشترک و سپس وزن‌دهی به متغیرهای مربوط، شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی ساخته شد.

نگرش به عملکرد پلیس:

نگرش یک سازه فرضی است، زیرا به صورت مستقیم قابل مشاهده نیست، بلکه بیش‌تر با اظهارات کلامی و رفتاری همراه است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵). بخشی از اهمیت نگرش مبتنی بر این فرض است که نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتارها هستند و این فرض به طور ضمنی دلالت بر این امر دارد که با تغییر دادن نگرش‌های افراد می‌توان رفتارهای آنها را تغییر داد (ترکان و کجیاف، ۱۳۸۷: ۴۹).

در این تحقیق نگرش نسبت به عملکرد پلیس سنجیده شده است و از گویه‌هایی از قبیل داشتن صداقت و درست‌کاری، سرعت عمل داشتن، رسیدگی به تماس‌های تلفنی، حل اختلافات و منازعات رخ داده در شهر و... که گویه از ترکیب گویه‌های محقق ساخته و گویه‌ها تحقیق باباخانی استفاده شده است. نهایتاً این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای از طریق طیف لیکرت مورد آزمون قرار می‌گیرد. علاوه بر متغیرهای فوق، سه متغیر زمینه‌ای شامل سن، جنس و وضعیت تأهل نیز در ارتباط با احساس امنیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

داده‌های توصیفی از ۳۷۰ پاسخگو نشان می‌دهد که میانگین سنی جمعیت نمونه ۳۰/۸۰ سال، حداکثر سن ۷۰ و حداقل ۱۸ سال است. ۴۸/۱ درصد کل جمعیت نمونه را مردان و

۵۱/۹ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. توزیع فراوانی جمعیت نمونه بر حسب قومیت نشان داد که ۶۶/۸ درصد ساکنان فارس و ۲۵/۹ درصد ترک و ۷/۳ درصد نیز سایر اقوام (۱/۱ درصد لر و ۶/۲ درصد کرد) هستند. ۴۵/۱ درصد ساکنان مجرد، ۵۴/۹ درصد متأهل و بقیه مطلقه و فوت همسر گزارش شده‌اند. ۵۷/۳ درصد پاسخگویان غیرشاغل و ۴۲/۵ درصد شاغل هستند. همچنین توزیع متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) به شرح ذیل می‌باشد:

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی افراد بر حسب میزان احساس امنیت اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی	تعداد	درصد
بالا	۵۸	۳/۵
متوسط رو به بالا	۱۷۶	۳۳/۲
متوسط رو به پایین	۱۲۳	۴۷/۶
پایین	۱۳	۱۵/۷
کل	۳۷۰	۱۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق می‌توان گفت احساس امنیت اجتماعی در وضعیت مطلوبی نیست، چرا که بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه دارای احساس امنیت در سطح متوسط رو به پایین و پایین هستند. به علاوه صرفاً ۳/۵ درصد احساس امنیت در حد بالا داشته‌اند.

جدول شماره ۲: ابعاد احساس امنیت اجتماعی

همدان		متغیر
واریانس	میانگین	
۱۰۲/۵۹	۴۱/۳۲	احساس امنیت اجتماعی
۲۳/۹۰	۱۲/۸۸	احساس امنیت سیاسی
۱۳/۷۵	۱۳/۱۶	احساس امنیت در شهر (شهری)

۱۳/۵۹	۹/۸۳	احساس امنیت اقتصادی
۶/۴۱	۵/۴۸	احساس امنیت جانی

جدول مذکور نیز ابعاد احساس امنیت اجتماعی را در شهر همدان نشان می‌دهد. حال با توجه به فرضیه‌های مورد توجه در این تحقیق عوامل مؤثر بر آن با آزمون فرضیات مورد کنکاش علمی قرار می‌گیرد.

با استفاده از آماره t -test چهار فرضیه تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها متغیر جنسیت و احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان رابطه معناداری داشته‌اند، اما وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و قومیت تأثیری بر احساس امنیت نداشته‌اند. در ادامه جدول مربوط به این آزمون آورده می‌شود.

جدول شماره ۳: خروجی آزمون تی برای مقایسه احساس امنیت اجتماعی

متغیر	مقوله‌ها	میانگین نمونه احساس امنیت	درجه‌ی آزادی	T	سطح معناداری
جنس	مرد	۴۳/۱۷	۳۷۸	۳/۴۲۱	۰/۰۰۱
	زن	۳۹/۶۱			
تأهل	مجرد	۴۰/۵۳	۳۷۸	-	۰/۱۶۲
	متأهل	۴۱/۹۸			
قومیت	فارس	۴۱/۰۱	۳۷۸	۰/۰۸۴	۰/۴۰۲

	-		۴۱/۹۵	غیرفارس	
۰/۵۳۳	۰/۶۲۴	۳۵۴	۴۱/۷۳	شاغل	اشتغال
	-		۴۱/۰۷	غیرشاغل	

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد، با توجه به آزمون تفاوت میانگین‌ها و سطح معناداری، متغیر جنسیت رابطه‌ی قوی تری را نسبت به بقیه متغیرها داشته است. طبق یافته‌های سایر پژوهش‌های مرتبط و با اتکا به نظریه‌های ترس از جرم، جنسیت عامل مؤثر بر احساس امنیت افراد گزارش شده است و تحقیق حاضر نیز این مسأله را تأیید می‌کند. بر این اساس مردان احساس امنیت بیشتری نسبت به زنان داشته‌اند. اما متغیر تأهل رابطه معنی‌داری با احساس امنیت برقرار نکرده است. بنابراین بین احساس امنیت افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد.

بین اشتغال، و احساس امنیت شهروندان هیچ‌گونه رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است، به این معنی که تفاوتی از لحاظ احساس امنیت بین افراد شاغل و غیر شاغل وجود نداشته است. لذا داشتن شغل نتوانسته است که احساس امنیت را بالا ببرد. بین قومیت و احساس امنیت نیز رابطه‌ی معناداری وجود نداشته است. به عبارت دیگر احساس امنیت قوم فارس و اقوام غیر فارس تفاوت معناداری نداشته است.

از دیگر متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نگرش به عملکرد پلیس، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی است که با استفاده از آزمون پیرسون به بررسی معناداری رابطه آن‌ها با احساس امنیت اجتماعی پرداخته شده است. جدول ذیل گویای این رابطه‌ها به همراه سطح معناداری آنهاست.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی بین برخی متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی

متغیر	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
-------	-------------------	---------------

۰/۰۰۰	-۰/۲۴۹	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۴۴۳	نگرش به عملکرد پلیس
۰/۳۷۱	-۰/۰۴۷	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی

داده‌های جدول نشان می‌دهد که همه متغیرها به جز متغیر رسانه‌های جمعی رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی برقرار کرده‌اند.

بین نگرش نسبت به عملکرد نیروی انتظامی و احساس امنیت نیز رابطه مستقیم و نسبتاً قوی وجود دارد و این رابطه در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، لذا فرضیه مبتنی بر وجود رابطه بین نگرش نسبت به عملکرد نیروی انتظامی و احساس امنیت تأیید می‌گردد و تفسیر رابطه مستقیم بین دو متغیر مذکور آن است که هرچه نگرش نسبت به عملکرد نیروی انتظامی مثبت‌تر باشد، افراد احساس امنیت بیش‌تری می‌نمایند و برعکس.

متغیر دیگری که رابطه معنی‌داری با احساس امنیت داشته، پایگاه اقتصادی، اجتماعی است، اما نکته قابل توجه آن است که با بالا رفتن سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی، افراد احساس امنیت کم‌تری داشته‌اند و برعکس. در واقع این فرضیه به این صورت که بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد، تأیید می‌گردد.

در ادامه جهت بررسی و شناخت مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در احساس امنیت شهروندان در شهر همدان، از رگرسیون چند متغیره به روش گام‌به‌گام استفاده می‌شود. در این مرحله، ۷ متغیر وارد معادله رگرسیون شدند که از بین آن‌ها ۲ متغیر شامل نگرش به عملکرد پلیس و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در معادله رگرسیونی به عنوان مهم‌ترین متغیرها باقی ماندند.

جدول شماره ۵: متغیرهای وارد شده جهت توضیح واریانس احساس امنیت اجتماعی در مرحله پنجم

مرح	متغیر	B	Beta	t	sig	R	R2
-----	-------	---	------	---	-----	---	----

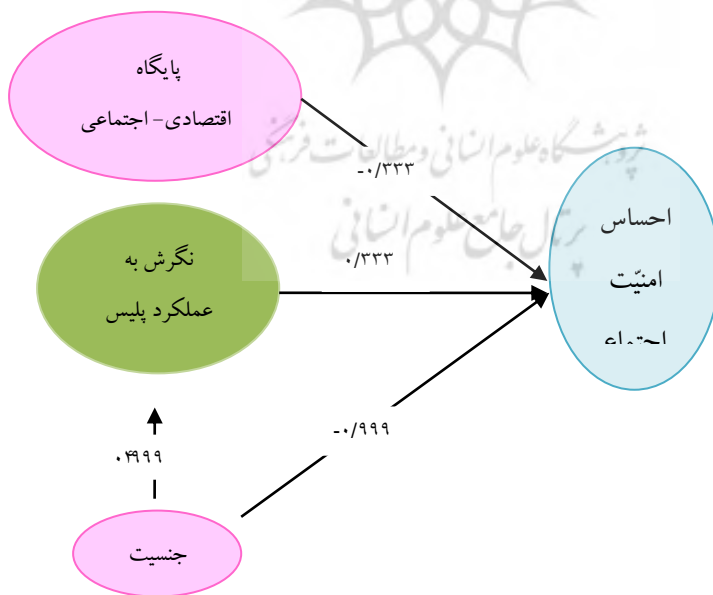
له							
۱	نگرش به عملکرد پلیس	۰/۰۷	۰/۰۰۰	۵/۵۷۲	۰/۲۸۰	۰	۳۹۸
۲	جنس	۰/۱۲	۰/۰۰۰	۴/۳۲۰	۰/۲۱۴	-۴	۳۱۶
۳	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰/۱۶	۰/۰۰۰	۴/۵۳۲	۰/۲۱۹	-۰	۲۶۴

نتایج نشان می‌دهد که در اولین مرحله متغیری که بیش‌ترین همبستگی تفکیکی را با احساس امنیت اجتماعی از خود نشان می‌دهد، نگرش به عملکرد پلیس است. در واقع این متغیر به تنهایی قادر به توضیح ۷ درصد از علت احساس امنیت افراد مورد مطالعه می‌باشد. لذا این متغیر مهمترین متغیر اثر گذار در احساس امنیت به شمار می‌آید. مقدار R^2 در این رابطه برابر با ۰/۲۸۰ است، به این معنی است که با افزایش یک واحد به سطح نگرش به عملکرد پلیس، به میزان ۰/۲۸۰ به احساس امنیت افراد افزوده می‌شود. در دومین مرحله، متغیری که بیش‌ترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی گذاشته است، جنسیت است. با وارد شدن این متغیر در معادله‌ی رگرسیونی مقدار R^2 به ۰/۱۲ رسیده است، که بر این اساس مقدار ۰/۰۵. به مقدار R^2 افزوده است. در واقع رابطه‌ی میزان جنسیت و احساس امنیت اجتماعی معکوس است، به طوری که مردان دارای احساس امنیت کم‌تری هستند. در مرحله‌ی آخر متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی وارد معادله‌ی رگرسیونی شده است. با وارد شدن این متغیر در معادله‌ی رگرسیونی مقدار R^2 به ۰/۳۹ رسیده است که بر این اساس این متغیر ۰/۰۲. به ضریب تعیین مدل رگرسیونی حاضر افزوده است. با توجه به مقدار R^2 با افزایش یک واحد به میزان پایگاه ۰/۲۱۹- از احساس امنیت آنان کاسته می‌شود.

با توجه به آنچه که جدول فوق نشان می‌دهد، این مدل در نهایت توان توضیح ۱۶ درصد از واریانس احساس امنیت اجتماعی را از طریق ۳ متغیر مذکور دارد. سایر متغیرهای مطرح شده در این تحقیق نتوانستند در کنار این متغیرها در توضیح واریانس احساس امنیت اجتماعی افراد در شهر همدان نقش داشته باشند و از معادله خارج شدند.

نتایج مدل تحلیل مسیر نیز در شکل زیر نشان داده شده است. در این مدل نیز نگرش به عملکرد پلیس قوی‌ترین متغیر شناخته شده است. متغیر پایگاه متغیر بعدی است و سپس متغیر جنسیت با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی که بر متغیر واسطه نگرش به عملکرد پلیس داشته است به عنوان آخرین متغیر وارد این مدل شده است و توانسته‌اند ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی کنند.

مدل شماره ۱: مدل تحلیل مسیر



بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله با تأکید بر تئوری ساختاریابی گیدنز به تبیین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان پرداخته شد. مطابق تئوری ساختاریابی گیدنز، قواعد و منابع، میانجی هستند، به این معنا که آن‌ها روابط اجتماعی را به هم وصل می‌کنند؛ آن‌ها چیزی هستند که کنشگران استفاده می‌کنند تا در طول زمان و مکان، روابط را خلق کنند، تقویت کنند و تغییر دهند. گیدنز معتقد است قواعد می‌توانند روشها و فرمولهای ترکیبی متنوعی برای هدایت مردم در مورد ارتباط، کنش متقابل و سازگار شدن با دیگران ارائه دهند. یکی دیگر از ویژگی‌های ساختار، منابع و وسایلی است که کنشگران برای کنش از آن‌ها استفاده می‌کنند، زیرا حتی اگر روش‌ها و فرمول‌های کاملاً درک شده‌ای وجود داشته باشد (یعنی قواعد) که کنش‌ها را هدایت کنند، همچنین باید قابلیت اجرای وظایف هم وجود داشته باشد. چنین قابلیتی نیازمند منابع و تجهیزات مادی و توانایی کنش در موقعیت‌هاست (ترنر، ۲۰۰۳).

با استفاده از این نظریه به بررسی تأثیر عواملی از قبیل نگرش به عملکرد پلیس، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و برخی متغیرهای زمینه‌ای از قبیل جنس، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال بر احساس امنیت اجتماعی پرداخته شد. متغیرهایی چون نگرش به عملکرد پلیس در دسته قواعد تفسیری و متغیرهایی نظیر رسانه‌های جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال در دسته منابع تخصیصی قرار گرفت.

در بخش توصیفی نشان داده شد که ۶ نفر برابر با ۱/۶ درصد دارای احساس امنیت بالا، ۹۹ نفر برابر با ۲۶/۱ درصد دارای احساس امنیت متوسط بالا، ۲۰۱ نفر برابر با ۵۲/۹ درصد و ۷۴ نفر برابر با ۱۹/۵ درصد دارای احساس امنیت پایین هستند. تحلیل توصیفی نشان داد که بیش از نیمی از شهروندان ساکن در همدان میزان احساس امنیت اجتماعی خود را متوسط رو به پایین گزارش کرده‌اند. سایر یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان،

در شهر همدان احساس امنیت اجتماعی می‌کنند. رابطه‌ی میان وضع اشتغال، قومیت، وضع تأهل و احساس امنیت اجتماعی معنادار نیست.

جنسیت یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی است که این یافته در تحقیقات دیگری نظیر تحقیق کامران و شعاع برآبادی (۱۳۸۹)؛ بیات (۱۳۸۸)؛ باباخانی (۱۳۸۸)؛ نویدنیا (۱۳۸۳) و نبوی (۱۳۸۸) نیز حاصل شده است. جنسیت به عنوان یک منبع تخصیصی که آبخور آن قواعد تفسیری و هنجاری است احساس امنیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از این قواعد در مورد زنان مانند قوانین ارث، حق طلاق، تصورات قالبی که به عنوان قواعد تفسیری در محاوره‌ها و کنترل‌های بین افراد دیده می‌شود، می‌تواند احساس امنیت اجتماعی زنان را رقم بزند و منجر به این شود که زنان در معرض اضطراب‌ها و استرس‌هایی بیش از مردان قرار بگیرند و احساس آسیب‌پذیری بیشتری داشته باشند. به دلایل گوناگونی زنان در استفاده از وسایل نقلیه (و سایر امکانات اجتماعی) محدودتر و آسیب‌پذیرتر هستند و با مشکلات متعددی مواجه هستند که امنیت آنان را خدشه‌دار می‌کند و گاهی اوقات نوعی ترس از تردد به ویژه پس از تاریکی هوا پدید می‌آورد و در بلندمدت استفاده آنان از بسیاری از فضاهای شهری را محدود می‌کند (زنجانی‌زاده و اعزازی، ۱۳۸۱: ۳۷). همچنین این قواعد مربوط به جنسیت در طول زمان به منبع تبدیل شده و بر این اساس نوع جنسیت به یک منبع تولید قدرت یا احساس بی‌قدرتی تبدیل می‌شود. به طوری که جنسیت برای مردان تبدیل به منبعی گشته که به آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی قدرت بخشیده و توانایی مقابله با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز را به آنان می‌دهد. همواره موضوع جنسیت در ارتباط با فرصت‌ها در جامعه مطرح بوده است. هر چند تلاش‌های مستمر در زمینه رهاسازی زنان از قیود قواعد تفسیری نظیر تصورات قالبی تا حدود زیادی به ثمر نشسته است، همچنین در عرصه‌های شغلی و اجتماعی زنان نیز به منابع و امکاناتی دست یافته‌اند، هنوز راه برای احساس امنیت نمودن آنان در فضای اجتماعی طولانی است. نبود امنیت برای زنان، چه واقعی و چه بالقوه سبب می‌شود تا زنان نتوانند شهروند تمام عیار به

شمار بیابند و به راحتی در زندگی عمومی مشارکت داشته باشند(همان). مشارکت بیش تر مردان نسبت به زنان در نیروی کار باعث افزایش مشارکت‌های رسمی آنان نسبت به زنان می‌گردد، ضمن اینکه تأثیر جنسیت بر ناامنی شغلی در تحقیقات (Mauno & Kinnunen, 1999) و (Gaunt & Benjamin, 2008) تأیید شده است به طوری که زنان از ناامنی شغلی بیش تری رنج می‌برند.

در این پژوهش وضعیت تأهل، قومیت و وضعیت اشتغال متغیرهای زمینه‌ای بودند که رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی نداشته‌اند. در واقع مجرد یا متأهل بودن به عنوان یک منبع اثرگذار بر احساس امنیت نیست. اینکه مجرد یا متأهل بودن بتواند منبع برتری یا کهنتری در جامعه باشد و احساس امنیت یا عدم امنیت نماید، در این پژوهش دیده نشده است. لذا در جامعه مورد مطالعه نمی‌توان گفت اگر افراد متأهل باشند، احساس امنیت بیش تری دارند یا برعکس. آنان منبع احساس امنیت خود را از سایر متغیرها دریافت می‌دارند. متغیر بعدی متغیر قومیت است که رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی ندارد، به طوری که میانگین احساس امنیت فارس‌ها و غیرفارس‌ها تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهند. همدان به عنوان اولین پایتخت ایران یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران است و به دلیل مجاورت با استان‌های ترک و کردنشین از تنوع قومیتی برخوردار است، و به دلیل همزیستی اقوام مختلف در کنار یکدیگر به مکانی برای مهاجرت و زیست شهروندان از استان‌های مجاور تبدیل شده است. وضعیت اشتغال نیز به عنوان یکی از متغیرها رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی برقرار نکرده است. در این تحقیق بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه غیرشاغلان بودند. تعداد زیاد غیرشاغلان حاکی از آن است که زمانی که عده زیادی از افراد جامعه یک منبع باارزش را در اختیار نداشته باشند، آن منبع دیگر چندان نمی‌تواند عامل برتری و امتیاز میان اعضا باشد. چون بسیاری آن‌را ندارند. لذا یک‌دستی و تشابه در نداشتن ایجاد می‌شود. به این ترتیب بسیاری از افراد از ترس نداشتن آن منبع احساس عدم امنیت در آن جامعه نمی‌کنند. از طرفی دیگر ممکن است احساس امنیت اجتماعی بیش از آنکه به یک عامل عینی مثل داشتن یا نداشتن شغل مربوط باشد، به امور نامحسوس و ذهنی ارجاع یابد.

از سایر نتایج تحقیق می‌توان به نگرش به عملکرد پلیس با احساس امنیت اجتماعی اشاره کرد. در این پژوهش این متغیر مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر احساس امنیت شناخته شد. یعنی هر چه نگرش افراد به عملکرد پلیس مثبت‌تر باشد، احساس امنیت اجتماعی آنان نیز بیش‌تر است. برخی قواعد به ابزار مشروعیت تبدیل می‌شوند. زیرا باعث می‌شوند چیزها درست و مناسب به نظر بیایند و این ابزار از طریق ذخایر آگاهی در یک زمینه، نظم اجتماعی را بازتولید می‌کنند. نگرش افراد به عملکرد پلیس در زمره‌ی این قواعد قرار می‌گیرد و در واقع با عملکرد نیروی انتظامی هم رابطه‌ی متقابلی دارد. تصور مردم در مورد پلیس به عنوان عامل اجرای نظم و قانون بر احساس امنیت افراد تأثیر گذاشته و در واقع هر چه نیروی انتظامی در انجام وظایف خود موفق‌تر باشد، ضریب احساس امنیت افراد نیز بالاتر خواهد رفت. در واقع زمانی که افراد به تفسیر از عملکرد پلیس می‌پردازند و در طی محاوره‌ها و گفت‌وگوها اطلاعاتی را کسب می‌کنند، دیگر عملکرد واقعی پلیس به عنوان یک قاعده‌ی هنجاری برجسته نمی‌شود. مردم بیش‌تر به تفسیرها در این زمینه جهت احساس امنیت یا عدم امنیت مراجعه می‌کنند.

متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز رابطه‌ی معناداری با احساس امنیت اجتماعی دارد. گیدنز کاربرد ویژگی‌ها، ابزار و کالاهای مادی برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه را منابع تخصیصی نامیده است. پایگاه اقتصادی-اجتماعی، به عنوان منبعی برای احساس امنیت اجتماعی است، لذا می‌توان گفت در کنار قواعد، منابع نیز سهمی هر چند کم‌تر را در احساس امنیت اجتماعی دارند. اما رابطه‌ی پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس امنیت رابطه‌ای معکوس است، به نحوی که افراد دارای پایگاه بالا احساس امنیت پایینی دارند. در توجیه این رابطه می‌توان گفت شرایط ناامن جامعه از دیدگاه شهروندان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا احساس امنیت اقتصادی آنان را در معرض مخاطره قرار داده است. به طوری که علیرغم عدم همکاری در پاسخگویی صادقانه به سؤالات پایگاه، شواهد حاکی از امنیت اقتصادی بالا بود، اما احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی بالا در بین این

شهروندان مشاهده گردید. در نهایت می‌توان گفت رسانه‌های جمعی به عنوان یکی دیگر از منابع تخصیصی رابطه‌ی معنی‌داری با احساس امنیت اجتماعی ندارد.

به لحاظ روش‌شناسی احساس امنیت سازه‌ای چندبعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف قابل سنجش و اندازه‌گیری است. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه متفاوت از همدیگر است، از طرفی احساس امنیت که خود مقوله‌ای روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی است، متأثر از اهداف و ابزارهای جامعه برای تحقق آن است. در این پژوهش احساس امنیت اجتماعی بیش‌تر متأثر از قواعد بود، هر چند منابعی نظیر جنسیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی در ایجاد احساس امنیت نقش‌آفرینی داشتند. در هر جامعه‌ای پلیس مهم‌ترین نیروی تأمین‌کننده امنیت به شمار می‌رود. نیروی انتظامی و پلیس با تدوین برنامه‌ها و اجرای این برنامه‌ها باید در صدد افزایش احساس امنیت در بین شهروندان باشد و یکی از ابزارهای این پروسه اجرای قوانین از سوی پلیس و نیروی انتظامی است که باعث پرورش اعتماد در بین شهروندان خواهد بود. هرچند تدابیر امنیتی پلیسی و مبارزه با فساد در داخل خود پلیس می‌تواند نقشی به‌سزا در افزایش امنیت داشته باشد، اما از طرف دیگر نیز به گفته بروس شینر افزایش تدابیر پلیسی بیش از حد، خود می‌تواند از منابع احساس ناامنی باشد.

علیرغم قدمت همدان به لحاظ شهرنشینی، در این شهر ناامنی اقتصادی مسأله‌ای است که یافته‌های تحقیق حاکی از آن است. نرخ بیکاری بالا، نبود صنایع مادر، سرمایه‌گذاری نکردن بخش خصوصی، حمایت نشدن از سایر سرمایه‌گذاران، انباشت سرمایه‌ها و سپرده‌های شخصی، نبود روحیه ریسک‌پذیری و داشتن روحیه محافظه‌کارانه و ... می‌تواند یکی از دلایل عدم امنیت اقتصادی در شهر همدان باشد.

از طرفی در سرشماری جدید کشوری، همه شهرهای غرب کشور با کاهش جمعیت مواجه بودند، در صورتی که همدان تنها شهری است که نه تنها با کاهش جمعیت روبه‌رو نبوده، بلکه افزایش جمعیت نیز داشته است و بخشی از ناامنی موجود نیز به دلیل همین افزایش جمعیت است که متأثر از مهاجرت‌های درون استانی و برون‌استانی است.

در نهایت می‌توان گفت: در کشورهایی که امنیت اجتماعی به معنی وسیع کلمه از متن و بطن روابط اجتماعی جامعه شکل گرفته باشد، حمایت از آن نیز توسط خود افراد تضمین می‌شود. برعکس در کشورهایی که این امنیت به معنی فوق وجود نداشته باشد و آن را بیش‌تر به صورت وارداتی تلقی کنند، وضع به گونه‌ای دیگر است؛ یعنی ناامنی اجتماعی حاکم بر شکل قانون دولتی می‌شود و آن را می‌شکند و اولین شکنندگان آن خود مردم هستند. در این گونه جوامع روابط اجتماعی اولین عاملی است که خود برای فرار از قانون وسایلی را تعبیه می‌کند. مردم علاوه بر اینکه از این امر شرمنده نمی‌شوند، آن‌را نوعی زرنگی تلقی می‌کنند. در این‌گونه کشورها که بافت بوروکراسی اداری با فرهنگ اجتماعی مردم انطباق دارد، خود نظام بوروکراسی که مسئول تحقق آرمان‌های قانون است فرار از آن را تسهیل می‌کند و به صورت غیرمستقیم در تخریب قانون شرکت فعال دارد. وجود و حضور امنیت به اعتبار جامعه‌شناسی آن از لوازم فعالیت اقتصادی است. جوامعی که به رشد صنعتی رسیده‌اند این امنیت را به صور مختلف تأمین نموده‌اند و این در حالی است که در کشورهایی مشابه کشور ما این امنیت تحقق نیافته است. (رضاقلی، ۱۳۷۷: ۱۵).

پیشنهادهای ذیل به منظور ارتقای احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان ارائه می‌شود:

۱. تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی از طریق درونی سازی هنجارها و قوانین و ارائه آموزش‌های لازم جهت پرورش رشد شخصیت و فرهنگ.
۲. طراحی روش و سیستم برای پیاده کردن ارزش‌ها.
۳. تثبیت حاکمیت قانون و مقررات در جامعه که در نتیجه آن اعتماد اجتماعی افزایش یابد.
۴. تدوین استراتژی‌های پیشگیری از ورود جامعه به شرایط ناامنی (مانند اعتیاد، بیکاری).
۵. ارتباط با افکار عمومی و اصلاح سیستم اطلاع‌رسانی و جلوگیری از انتشار شایعات.
۶. افزایش آگاهی و آموزش عمومی در مورد نحوه حفاظت از جان و مال و نحوه همکاری مردم با مأمورین انتظامی.
۷. وارد نمودن مقوله امنیت اجتماعی و انتظامی در کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها.

۸. آموزش مأموران حافظ نظم و امنیت و ارتقای دانش و بینش آنان.
۹. تقویت فرایند اجتماعی شدن امنیت.
۱۰. ایجاد شرایط اشتغال و سرمایه‌گذاری جهت صنایع مولد.
۱۱. ایجاد روحیه ریسک‌پذیری و سرمایه‌گذاری در بین شهروندان.
۱۲. حرکت به سمت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

منابع و مآخذ

- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج، (۱۳۸۱)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آتونوی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آتونوی، (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- نصری، قدیر، (۱۳۸۱)، "معنی و ارکان جامعه‌شناسی امنیت"، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶، تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ چهارم، تهران: کیهان.
- حشمت‌یغمایی، محمدتقی (۱۳۸۰)، دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۷۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه
- ربانی خوراسگانی، علی و وحید قاسمی (۱۳۸۶)، "رابطه احساس امنیت و نگرش مذهبی"، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد بیست و پنجم، شماره ۴: ۱۸-۱.
- کامران، حسن و علی شعاع برآبادی (۱۳۸۹)، "بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی مطالعه‌ی موردی؛ شهر تایباد"، جغرافیا، سال هشتم، شماره ۲۵: ۴۶-۲۵.

- نبوی، سید عبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده و سیده هاجر حسینی (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی"، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم: ۳۶-۹.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)، "جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲: ۲۸-۱۱.
- سام‌آرام، عزت‌اله (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور"، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره اول: ۲۹-۹.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۵)، "بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن؛ مورد مطالعه: شهر تهران"، تحقیقات علوم اجتماعی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)، "بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم)". فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره اول: ۲۹-۹.
- برآبادی، محمود (۱۳۸۲)، "شهر در امن و امان است"، شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۱: ۶۲-۴.
- آزاد ارمکی، تقی و افسانه کمالی (۱۳۸۳)، "بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲: ۱۳۲-۱۰۰.
- میرمحمدی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، "مقدمه‌ای بر امنیت اقتصادی"، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال چهارم، شماره ۱۴ و ۱۵: ۲۶۸-۲۱۳.
- دلاور، علی و علی محمد احمدوند و علی محمد رضایی (۱۳۸۷)، "ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس امنیت تهران"، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار، سال پانزدهم، شماره ۲۸: ۶۰-۴۹.
- ترکان، هاجر و محمدباقر کجیاف (۱۳۸۷)، فصلنامه توسعه‌ی علوم رفتاری، سال اول، شماره اول: ۵۴-۴۹.

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روشه، گی (۱۳۸۹)، **تغییرات اجتماعی**، تهران: نشر نی.
- باباخانی، فرهاد (۱۳۸۸)، **بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در سطوح خرد و کلان**، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی.
- زنجانی زاده اعزازی، هما (۱۳۸۰)، **"زنان و امنیت شهری"**، **مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده و علوم انسانی مشهد**، شماره ۳ و ۴: ۶۰۲-۶۲۳.
- محمدی، فریبرز و تاجران (۱۳۸۷)، **"بررسی نظری طرح امنیت اجتماعی زنان"**، فصلنامه **امنیت و نظم**، سال اول، شماره ۲.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۳)، **بررسی ابعاد امنیت اجتماعی**، رساله دکتری دوره عالی تحقیقات).
- رضاقلی، علی (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی نخبه‌کشی**، تهران: نشر نی.
- Walter, S, J. wehrheim (2006), 'security and the urban public sphere', German Policy Studies: vol.3, No,1, PP:19-46
- Schneier, B (2008), The Psychology of Security in: <http://www.schneier.com/essay-155.html>.
- Roy, nalanda(2008), Balancing the Tripod: Security, Immigration and the Economy In the Post-9/11 United States.
- Gaunt ruth & benjamin orly (2007), JOB INSECURITY, STRESS AND GENDER, Community, Work and Family, Vol. 10, No. 3, pp. 341-355.
- O'Neill, P. E(2006), "The European Union and Migration: Security versus Identity?" Defence Studies, Vol. 6, No. 3 , pp. 322–350